

دیدگاه ویژه

خطرات هسته‌ای؛

جاه طلبی‌ها در مقابل خردورزی

دکتر علی‌اکبر صالحی^۱

حسن بهشتی‌پور^۲

^۱ وزیر پیشین امور خارجه و قائم مقام و معاون پژوهشی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
^۲ تحلیلگر مسائل سیاسی

مقدمه

در سال‌های اخیر، روابط روسیه و آمریکا تحت تأثیر مشکلات بسیاری قرار گرفته است. واضح است که موضوعاتی مانند حفظ و گسترش نفوذ در مناطق پیرامونی روسیه، جغرافیای سیاسی و خطوط لوله انتقال نفت و گاز، استقرار سامانه دفاع موشکی آمریکا و ناتو در اروپای شرقی و موضوع هسته‌ای ایران و کره شمالی قابل توجه است. در میان همه تحولات سه دهه گذشته، بحران اوکراین را می‌توان نقطه عطفی در تحول روابط روسیه و آمریکا دانست. این تحول نشان دهنده اوج اختلافات و رقابت‌های ژئوپلیتیک بین دو طرف از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ تاکنون است.

با توجه به ماهیت بین‌المللی بحران اوکراین و پیامدهای عمیق آن بر روابط بین‌الملل در عصر جهانی شدن، به وضوح می‌توان دریافت که جهان پس از این بحران با سه چالش مهم امنیتی به‌طور هم‌زمان مواجه شده است: امنیت انرژی، امنیت غذایی و امنیت هسته‌ای. در نتیجه جنگ روسیه و اوکراین این وضعیت به قدری دلهره‌آور است که برخی از تحلیل‌گران درباره گسترش احتمالی جنگ به یک جنگ هسته‌ای هشدار می‌دهند که تمام جهان را با عواقب ناگواری در بر خواهد گرفت.

یکی از ویژگی‌های اساسی قرن بیست‌ویکم این است که امنیت منطقه‌ای و جهانی به شدت در هم تنیده شده‌اند. بحران در یک منطقه، بر منافع بازیگران در مناطق دیگر تأثیر می‌گذارد. خطرناک‌ترین چالش، استفاده از سلاح هسته‌ای در جنگ روسیه و اوکراین است. اگر این اتفاق بیفتد، خطر شروع یک جنگ هسته‌ای را افزایش می‌دهد که تنها به یک منطقه محدود نمی‌شود. بنابراین، افرادی که به صلح و امنیت جهان اهمیت می‌دهند، باید تلاش کنند تا از آغاز چنین جنگ فاجعه‌باری که پایانی برای آن قابل پیش‌بینی نیست، جلوگیری کنند.

چرا باید نگران جنگ هسته‌ای باشیم؟

در ۲۱ فوریه ۲۰۲۳، رئیس‌جمهور پوتین اعلام کرد که روسیه مشارکت خود در پیمان شروع جدید (New START) بین روسیه و ایالات متحده در مورد خلع سلاح هسته‌ای را تعلیق می‌کند و اگر ایالات متحده آزمایش‌های هسته‌ای خود را از سر بگیرد، روسیه نیز آزمایش‌های هسته‌ای خود را از سر خواهد گرفت (۱).

در مورد روسیه نیز از ابتدای جنگ اوکراین شاهد بودیم که ادعای غرب مبنی بر مداخله نکردن در جنگ و ارسال نکردن سلاح تهاجمی به تدریج به انتقال تانک‌ها و هواپیماهای پیشرفته و حتی بمب‌های خوشه‌ای و اورانیوم ضعیف شده تبدیل شد (۲). تمام وعده‌های گذشته غرب در خصوص تأمین نکردن سلاح‌های تهاجمی (تانک و هواپیما) به تدریج عملاً نقض می‌شود، در حالی که تبلیغات منافقانه هم‌چنان از تمایل نداشتن آمریکا به مداخله در جنگ، حکایت دارد و حتی رسانه‌های غربی هر از چند گاهی از احتمال شکست اوکراین و ناکارآمدی جنگ صحبت می‌کنند. با این حال، کنایه واگذاری اراضی اوکراین در واقع برای تلطیف گرمای جنگ و تعدیل فشار افکار عمومی در مورد پایان این جنگ بیهوده است. این در شرایطی است که آمریکا عملاً به دنبال ادامه درگیری تا فروپاشی قدرت روسیه و نابودی آن کشور (ترجیحاً با سرنگونی پوتین) است.

نتیجه تداوم وضعیت کنونی جنگ در اوکراین، فرسایش تدریجی زیربنای اقتصادی روسیه و اوکراین است. اگرچه این امر در نهایت ممکن است به قیمت نابودی اوکراین و تحمیل هزینه‌های سنگین به اروپا تمام شود، با این حال، ایالات متحده امیدوار است که نتیجه این جنگ، واشنگتن را قادر سازد تا بزرگ‌ترین قدرت نظامی رقیب خود در جهان را از بین ببرد. البته با این ملاحظه که اوضاع آنقدر بحرانی نشود که منجر به یک واکنش غیر منتظره روسیه (تهدید هسته‌ای علیه آمریکا و اروپا) گردد.

اما باید تأکید کرد که هیچ قطعیتی در این زمینه وجود ندارد. اگر عرصه را بیشتر بر روسیه تنگ کنند، بعید نیست که این کشور برای رهایی از گسترده‌ترین تحریم‌های تاریخ علیه این کشور، دست به حمله هسته‌ای حتی محدود بزند. همان‌طور که پوتین نیز هنگام اعلام بسیج نسبی سربازان وظیفه تأکید کرد که روسیه از تمام ابزارهایی که در اختیار دارد، برای دفاع از خاک کشور استفاده خواهد کرد. او هشدار داد که تهدید او بلوف نیست. هم‌چنان‌که در ۲۵ مارس ۲۰۲۳، پس از این‌که زلنسکی اعلام کرد کشورش منتظر مهمات شرکای خود برای انجام یک ضد حمله در بهار است، پوتین اعلام کرد که تعداد ۱۰ هواپیمای مجهز به حمل سلاح هسته‌ای تاکتیکی را در بلاروس

مستقر خواهد کرد. به همین منظور، بلاروس در ۱ ژوئیه ۲۰۲۳، برای ساخت یک انبار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی برنامه‌ریزی کرد. مسکو و مینسک برای استقرار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی بدون نقض الزامات پیمان استارت جدید (New START) موافقت کردند. البته پوتین اعلام کرد که تسلیحات هسته‌ای کشورش را به بلاروس منتقل نمی‌کند، بلکه آنها را برای آموزش نظامیان بلاروس به آن‌جا خواهد برد، همان‌طور که آمریکا در اروپا انجام داده است (۳).

همچنین دیمیتری مدودف، معاون رئیس شورای امنیت فدراسیون روسیه، اعلام کرد که پاسخ به یک حمله اتمی به روسیه، بمباران هسته‌ای اوکراین و اروپا خواهد بود. وی خواستار بررسی سناریوی حمله به تأسیسات هسته‌ای اوکراین و اروپای شرقی در صورت تأیید اطلاعات مربوط به سناریوی حمله با سلاح‌های ناتو به نیروگاه هسته‌ای اسمولنسک روسیه شد. وی در حساب کاربری تلگرام خود نوشت: «در صورت تأیید اطلاعات مبنی بر تلاش برای حمله به اسمولنسک با موشک‌های ناتو، بررسی سناریوی حمله هم‌زمان روسیه به نیروگاه اتمی در جنوب اوکراین، یعنی نیروگاه‌های هسته‌ای ریونه و خملنیتسکی ضروری است (۴).

سرگئی لاوروف هم‌چنین در مصاحبه با یک مجله بین‌المللی گفت: «داشتن سلاح هسته‌ای تنها پاسخ ممکن به برخی تهدیدات مهم خارجی علیه امنیت ملی ما است. تحولات در اوکراین و اطراف آن تأیید کرده است که نگرانی‌های ما کاملاً منطقی است. سیاست بازدارندگی هسته‌ای مسکو صرفاً دفاعی برای تضمین حاکمیت، تمامیت ارضی و بازدارندگی از تجاوز به روسیه و متحدانش است». لاوروف هم‌چنین اظهار داشت که ایالات متحده و کشورهای ناتو در خطر درگیری مسلحانه مستقیم بین قدرت‌های هسته‌ای هستند و ما فکر می‌کنیم که می‌توان و باید از این روند جلوگیری کرد. لاوروف با متهم کردن غرب به تلاش برای از بین بردن یک رقیب جدی ژئوپلیتیکی، اعلام کرد که واشنگتن و بروکسل جنگی ترکیبی علیه ما به راه انداخته‌اند (۵).

کارشناسان می‌گویند یک "جنگ هسته‌ای محدود" شامل ۲۵۰ سلاح هسته‌ای از ۱۳۰۰۰ سلاح هسته‌ای جهان، می‌تواند ۱۲۰ میلیون نفر را به‌طور کامل به کام مرگ بکشاند و آب‌وهوای جهانی را مختل کند و به قحطی هسته‌ای منجر شود و ۲ میلیارد نفر را در معرض خطر قرار دهد. یک جنگ هسته‌ای بین ایالات متحده و روسیه می‌تواند در کوتاه مدت ۲۰۰ میلیون نفر یا بیشتر را بکشد و به‌طور بالقوه، باعث ایجاد یک "زمستان هسته‌ای" جهانی شود که ۵ تا ۶ میلیارد نفر را در معرض خطر مرگ اجتناب‌ناپذیر قرار خواهد داد و در نتیجه تهدیدی برای بقای بشریت خواهد بود.

در همین ارتباط، دن اسمیت، مدیر موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم موسوم به سیپری (SIPRI) در مورد جهان پس از جنگ روسیه در اوکراین می‌گوید: «ما در حال حرکت به سمت یکی از خطرناک‌ترین دوره‌های تاریخ بشر هستیم. ضروری است که دولت‌های جهان، راه‌هایی برای همکاری با یکدیگر برای کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی، گندکردن مسابقه تسلیحاتی و مقابله با پیامدهای بدتر تخریب محیط زیست، و افزایش گرسنگی در جهان پیدا کنند». (۷)

به خوبی قابل درک است که دیپلماسی کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح پس از تهاجم تمام عیار روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ با شکست‌های بزرگی روبرو شد. در پی حمله روسیه به اوکراین، ایالات متحده، مذاکرات دوجانبه ثبات استراتژیک خود با روسیه را به حالت تعلیق درآورد. همان‌طور که گفته شد، پوتین در واکنش به این اقدام در فوریه ۲۰۲۳ اعلام کرد که روسیه نیز مشارکت خود در پیمان ۲۰۱۰، اقدامات برای کاهش و محدودسازی بیشتر سلاح‌های تهاجمی استراتژیک (استارت جدید) - آخرین معاهده کنترل تسلیحات هسته‌ای باقی‌مانده که نیروهای استراتژیک هسته‌ای روسیه و ایالات متحده را محدود می‌کند - تعلیق خواهد کرد. حتی مذاکرات در مورد این معاهده که در سال ۲۰۲۶ منقضی می‌شود نیز به حالت تعلیق درآمده است.

با این حال، بر اساس ارزیابی سیپری، نیروهای هسته‌ای راهبردی مستقر در هر دو کشور تا ژانویه ۲۰۲۳ در محدوده پیمان استارت جدید باقی ماندند (۸). این در حالی است که سال گذشته یکی از اعضای مجلس عوام انگلیس اعلام کرد که آمریکا در حال برنامه‌ریزی برای استقرار سلاح‌های هسته‌ای جدید در خاک انگلیس در منطقه لیکن هیت است (۹) و این نشان می‌دهد که ایالات متحده و انگلیس برای مقابله با تهدیدات احتمالی، در صدد استقرار پایگاه جدید علیه روسیه و چین هستند.

خطر هسته‌ای شدن مجدد اوکراین

اوکراین امکانات هسته‌ای مهمی داشت که از گذشته به‌عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی به ارث برده بود. در زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این کشور دارای سومین زرادخانه بزرگ هسته‌ای در جهان بود. زرادخانه هسته‌ای مستقر در اوکراین شامل حدود ۱۳۰ موشک بالستیک قاره پیما با برد ۵ تا ۱۰ هزار کیلومتر بود که هر موشک ۱۰ کلاهک هسته‌ای حمل می‌کرد. در مجموع، طبق برآورد منابع غربی، حدود ۱۷۰۰ کلاهک هسته‌ای و ۳۳ بمب افکن دور برد با قابلیت حمل بمب هسته‌ای در خاک اوکراین مستقر بودند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

در سال ۱۹۹۱، اوکراین به دلایل اقتصادی و تحت فشار آمریکا و روسیه داوطلبانه سلاح‌های هسته‌ای خود را کنار گذاشت و به‌عنوان یک کشور غیرهسته‌ای، به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موسوم به ان.پی.تی (NPT) پیوست (۱۰). از آن زمان، اوکراین تلاش کرده است تا با از کار انداختن تاسیسات و مواد هسته‌ای مرتبط با سلاح هسته‌ای، از طریق مدیریت ایمن میراث هسته‌ای صلح آمیز خود را تضمین کند. این تصمیم اوکراین گام مهمی در راستای تلاش‌های بین‌المللی خلع سلاح بود و همچنین توسط تفاهم‌نامه بوداپست امنیت اوکراین تضمین شد. این تفاهم‌نامه که در ۵ دسامبر ۱۹۹۴ امضا شد (۱۱)، تضمین‌های امنیتی خاصی را در ازای تصمیم این کشور مبنی بر کنار گذاشتن زرادخانه هسته‌ای خود و پیوستن به ان.پی.تی به عنوان یک کشور غیرهسته‌ای ارائه کرد. این تفاهم‌نامه بین اوکراین، روسیه، آمریکا و بریتانیا امضا شد. همچنین چین و فرانسه از اعضای دائمی شورای امنیت و دارای سلاح هسته‌ای، تضمین‌های کتبی جداگانه‌ای به اوکراین دادند. نکات کلیدی تفاهم‌نامه بوداپست شامل احترام به حاکمیت اوکراین است. این بدان معناست که کشورهای امضاکننده، متعهد به احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی اوکراین در داخل مرزهای موجود هستند. هدف از این تضمین جلوگیری از هرگونه تجاوز به تمامیت ارضی اوکراین بود. یعنی اگر اوکراین با اقدامی تجاوزکارانه یا تهدید به تجاوز مواجه شود که منشور سازمان ملل را نقض کند، کشورهای امضاکننده متعهد می‌شوند که با یکدیگر مشورت کرده و اقدامات لازم را برای رسیدگی به موضوع انجام دهند. اما تهاجم نظامی روسیه به اوکراین عملاً این تفاهم‌نامه را نادیده گرفت و از بین برد (۱۲). اکنون بیم آن می‌رود که اوکراین بر اساس نقض تفاهم‌نامه بوداپست به نوعی به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای حرکت کند.

هدف آمریکا از ایجاد جدایی بین روسیه و اوکراین

برژینسکی نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی در کتاب خود با عنوان «صفحه بزرگ شطرنج: برتری آمریکا و الزامات ژئواستراتژیک آن» که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، در مورد اهمیت اوکراین برای ایالات متحده می‌نویسد:

«اوکراین یکی از کشورهای محور ژئوپلیتیک است. محورهای ژئوپلیتیک، دولت‌هایی هستند که اهمیت آن‌ها نه از قدرت و انگیزه آن‌ها، بلکه از موقعیت حساس آن‌ها و پیامدهای شرایط بالقوه آسیب‌پذیرشان برای رفتار بازیگران ژئواستراتژیک ناشی می‌شود. غالباً، محورهای ژئوپلیتیکی بر اساس جغرافیای آن‌ها تعیین می‌شوند، که در برخی موارد نقش ویژه‌ای به آن‌ها

می‌دهد؛ یا در تعریف دسترسی به مناطق مهم، یا در ردّ منابع برای یک بازیگر مهم. بر این اساس، اوکراین یک فضای جدید و مهم در صفحه شطرنج اوراسیا و یک محور ژئوپلیتیک است. زیرا وجود آن به‌عنوان یک کشور مستقل به تغییر روسیه کمک می‌کند. بدون اوکراین، روسیه دیگر امپراتوری اوراسیا نیست. روسیه بدون اوکراین هنوز هم می‌تواند برای موقعیت امپریالیستی تلاش کند اما پس از آن، به یک کشور امپریالیستی عمدتاً آسیایی تبدیل می‌شود که به احتمال زیاد به درگیری‌های تضعیف‌کننده با کشورهای ناراضی آسیای مرکزی کشیده می‌شود.» (۱۳). به همین دلیل مهم، در سه دهه اخیر، ایالات متحده در تلاش بوده تا در نهایت اوکراین را به عضویت ناتو درآورد.

پیامدهای فشار بیشتر بر روسیه چیست؟

در سال ۲۰۱۹، موسسه رند ایالات متحده، تحقیقاتی را در مورد روسیه برای دولت ایالات متحده انجام داد. پس از حمله روسیه به اوکراین، مشخص شد که سیاست فعلی دولت پرزیدنت بایدن در مورد حمله روسیه عمدتاً از این تحقیقات ناشی شده است. این تحقیق با عنوان "مقابله با گسترش روسیه، رقابت از بالا" کار مشترک یک گروه ۹ نفره به سرپرستی جیمز دابینز است. بر اساس یافته‌های این مطالعه ۳۴۵ صفحه‌ای، سیاست آمریکا در قبال روسیه باید همان سیاستی باشد که در مورد اتحاد جماهیر شوروی اعمال شد؛ یعنی با وارد شدن به مسابقه تسلیحاتی و جنگ، روسیه را تضعیف کند. در راستای اجرای این سیاست، پیشنهاد این گروه تحقیقاتی متشکل از عناصر متعدد اطلاعاتی، امنیتی و استراتژیست به دولت آمریکا، سازماندهی برنامه‌های چندجانبه در بخش‌های اقتصادی، ایدئولوژیک، اطلاعاتی، امنیتی، ژئوپلیتیکی و نظامی برای کنترل گسترش نفوذ روسیه این اقدامات در چندین گروه کارشناسی مورد بررسی قرار گرفته و ضریب ریسک آن‌ها در اجرا مشخص شده و احتمال موفقیت آن‌ها نیز به صورت درصدی تعیین شده است. پس از حمله روسیه به اوکراین، مؤسسه رند خلاصه‌ای ۱۲ صفحه‌ای از همین گزارش را منتشر کرد که به وضوح نشان می‌داد که دولت آمریکا به‌دنبال تحریک روسیه به جنگ با اوکراین و در نتیجه تضعیف موقعیت جهانی روسیه است (۱۴).

اعتقاد عمومی بر این است که فشار بیشتر بر روسیه، مسکو را به پکن نزدیک‌تر کرده و اتحادیه جدیدی از کشورهای ناراضی تشکیل داده است که در قالب کشورهای متحد به رهبری روسیه یا چین از غرب انتقاد یا با آن مخالفت می‌کنند. در همین حال، پکن احتمالاً با بزرگترین گسترش برنامه تسلیحات هسته‌ای خود در تاریخ مواجه خواهد شد: در سال ۲۰۰۸، طبق برآورد کارشناسان

مستقل از فدراسیون دانشمندان آمریکایی، چین تنها حدود ۲۰۰ کلاهک داشت، اما امروز تقریباً ۳۵۰ کلاهک دارد. بدین ترتیب پکن پس از روسیه و آمریکا (۱۵) در جایگاه سوم قرار دارد. روسیه در حال حاضر به دنبال تقویت روابط سنتی خود با هند و کشورهایمانند ایران، کره شمالی، کوبا، ونزوئلا، ویتنام، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین است. بنابراین، برای آمریکا و متحدانش شایسته و عاقلانه است که فشار بیشتری بر روسیه وارد نکنند؛ زیرا فشار بیشتر، قطعاً روسیه را به تسلیم نمی‌کشانند، بلکه بیشتر باعث اقدامات رادیکال و ماجراجویانه این کشور علیه غرب می‌شود.

بحران ناشی از تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، ریشه در غفلت از خلع سلاح هسته‌ای دارد.

موضوع تهدیدهای هسته‌ای مستقیماً متأثر از عدم تحقق وعده‌های مربوط به انهدام سلاح‌های هسته‌ای در جهان است. در دوران پس از جنگ سرد، انتظار می‌رفت که جهان به سرعت به سمت خلع سلاح هسته‌ای حرکت کند؛ زیرا مسابقه تسلیحاتی معنای دوران جنگ سرد خود را از دست داده بود. اما علی‌رغم کاهش تسلیحات هسته‌ای به دلیل اجرای معاهدات استارت، کشورهای اصلی دارنده تسلیحات هسته‌ای به‌ویژه آمریکا به سمت نوسازی تسلیحات هسته‌ای حرکت کردند، به‌طوری که تسلیحاتی که در سال‌های اخیر تولید کردند هر کدام چندین برابر مخرب‌تر از بمب‌های از کار افتاده هستند. در واقع تعداد کلاهک‌های هسته‌ای از حدود ۲۰۰۰۰ واحد در مجموع به حدود ۱۳۰۰۰ واحد کاهش یافته است، اما قدرت تخریب سلاح‌های موجود چندین برابر بیشتر از سلاح‌های منهدم شده بر اساس معاهده‌های سالت و استارت تخمین زده می‌شود.

دلیل اصلی این بی‌نظمی، بی‌توجهی به اجرای کامل معاهدات بین‌المللی مرتبط با خلع سلاح هسته‌ای است. قدرت‌های هسته‌ای به دلیل نفوذی که دارند، اجرای مفاد آن بی‌نتیجه و سایر معاهدات محدودسازی تسلیحات هسته‌ای مربوط به از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای را به تعویق می‌اندازند. دقیقاً به همین دلیل، واضح است که چرا زبان تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تا این اندازه رایج شده و بدون نگرانی از پیامدهای آن برای صلح و امنیت مردم جهان، صریح‌تر از گذشته بیان می‌شود.

با توجه به این واقعیت، ضرورت اقدامات اساسی برای خلع سلاح هسته‌ای بیش از پیش احساس می‌شود. تمرکز چنین اقداماتی می‌تواند در مناطق حساس‌تری مانند اروپای شرقی،

خاورمیانه، اقیانوس آرام و شرق آسیا باشد. اما باید پیشگام آن در درجه اول دارندگان سلاح‌های هسته‌ای باشند.

سال‌هاست که ایده خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای به دلیل مخالفت رژیم تل‌آویو روی میز باقی مانده است. این ایده با مشارکت همه کشورهای منطقه غرب آسیا می‌تواند فضای مناسب‌تری را برای امنیت و ثبات در این بحرانی‌ترین منطقه استراتژیک جهان فراهم کند. علاوه بر این طبق معاهده راروتونگا (Rarotonga) در مورد ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام قرار بود یک محیط امنیتی مناسب در آن منطقه ایجاد شود. اما این معاهده اخیراً با یک مشکل جدید - یعنی ابتکار نظامی اوکاس (AUKUS) - با اقدامات ایالات متحده و انگلیس در تسلیح استرالیا به زیردریایی‌هایی که با نیروی محرکه هسته‌ای کار می‌کنند و به‌طور بالقوه می‌توانند به سلاح هسته‌ای مجهز شوند، مواجه شده است.

برجام نمونه دیگری از یک تلاش ناموفق بود. با خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷، تجربه موفقی که برای نخستین بار شش قدرت بزرگ جهان و ایران به توافقی در مورد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دست یافتند که می‌توانست شروع خوبی برای همکاری‌های جهانی و منطقه‌ای و تضمین صلح و امنیت باشد، با شکست بزرگ مواجه شد.

قبل از ترامپ که به طرز ناشیانه‌ای دستور خروج از برجام را صادر کرد، باراک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده، دکترین هسته‌ای خود در مورد عدم استفاده از سلاح هسته‌ای علیه کشورهایی که سلاح هسته‌ای ندارند، پیشنهاد کرده بود. در حالی که در همان سند، از قضا ایران حذف شده بود. بر اساس ۱۵ گزارش مدیرکل آژانس، ایران تا اردیبهشت ۱۳۹۸ یعنی یک سال پس از خروج ترامپ از توافق هسته‌ای، به تمامی تعهدات خود بر اساس برجام عمل کرده است. به این ترتیب ایران تمایل خود را برای تعامل با طرف مقابل ثابت کرد، اما فشارهای رژیم صهیونیستی و خروج ترامپ در نهایت این ظن را تقویت کرد که با اتخاذ سیاست فشار حداکثری می‌توانند ایران را به زانو درآورند. با این حال، ایران نشان داد که به‌همان اندازه که علاقه‌مند به تعامل مثبت و معقول است، به حفظ حقوق مشروع هسته‌ای خود نیز پای‌بند است.

همان‌طور که در آخرین سند رسمی منتشر شده توسط وزارت دفاع ایالات متحده (پنتاگون) در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳، دولت ایالات متحده اذعان کرد "ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست". درس‌های تلخی که از این نمونه‌ها گرفته می‌شود این است که نمی‌توان به هیچ ابر قدرتی اعتماد کرد. با این حال، در صورت غلبه بر نیت خوب، هنوز شانس خوبی برای احیای برجام وجود دارد.

راه‌کارهای پیشنهادی برای برون رفت از بحران کنونی

یکی از راه‌های معقول برای برون رفت از وضعیت بسیار حساس تهدید جنگ هسته‌ای کنونی، تشکیل یک کمیته چند جانبه سطح بالا و باز تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل متحد است؛ تا راه‌حلی عاقلانه و منطقی برای اطمینان از این که جنگ هسته‌ای شروع نمی‌شود، به دست آید. این کمیته می‌تواند از تجربیات مذاکرات شش قدرت در برجام با ایران برای بررسی سه موضوع باقی‌مانده شیوع احتمالی هسته‌ای در بحران روسیه و اوکراین، پیمان اوکاس و برجام استفاده کند. ممکن است راه‌حلی فوری برای حل یا کاهش نگرانی‌های جدی موجود در سطح جهان در زمینه اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و جلوگیری از جنگ ناخواسته با ایجاد یک محیط بین‌المللی مساعد ارایه شود.

در همین حال، لازم است کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای به فکر راه‌های جدیدی برای خلع سلاح هسته‌ای برای کاهش التهاب فعلی باشند؛ زیرا به همان اندازه که عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای برای صلح و امنیت جهانی ضرورت دارد، خلع سلاح و انهدام سلاح‌های هسته‌ای موجود به منظور کاهش خطر به کارگیری این سلاح‌ها ضروری‌تر است.

تهدید هسته‌ای و ایجاد اعتماد متقابل در سطح بین‌المللی.

تجربه کمپین بین‌المللی (IPPNW) که در سال ۲۰۰۷، آیکان (ICAN) را برای نابودی سلاح‌های هسته‌ای راه‌اندازی کرد، پیش روی همه ما قرار دارد. این کمپین جهانی جامعه مدنی اکنون با صدها سازمان شریک همراه شده است. هم‌چنان که با تصویب معاهده منع تسلیحات هسته‌ای در سال ۲۰۱۷، مسیری برای مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایجاد شد که در حال حاضر شامل ۹۲ امضاکننده از جمله ۶۸ کشور عضو است (۱۶). برای قدردانی از فعالیت‌های این گروه، آیکان در سال ۲۰۱۷ جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. سازمان‌های بین‌المللی پزشکی، از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، IPPNW، انجمن پزشکی جهانی، فدراسیون جهانی انجمن‌های بهداشت عمومی و شورای بین‌المللی پرستاران، نقش‌های کلیدی در روند منتهی به مذاکرات و در خود مذاکرات، ارائه شواهد علمی در مورد پیامدهای فاجعه‌بار بهداشتی و زیست محیطی سلاح‌های هسته‌ای و جنگ هسته‌ای نقش مهمی ایفاء می‌کنند. باید همه برای به ثمر نشستن این تلاش‌های شایسته جهانی کمک کنیم.

یادداشت‌ها:

- (1) <https://parsi.euronews.com/2023/02/21/what-is-new-start-the-treaty-from-which-russia-suspends-its-participation>
- (2) <https://www3.nhk.or.jp/news/html/20230907/k10014187081000.html>
- (3) <https://www.avvenire.it/mondo/pagine/putin-porta-le-atomiche-in-bielorussia-gia-lo-fa>
- (4) <https://spnfa.ir/amp/20230709/>
- (5) <https://www.khabaronline.ir/news/1804376>
- (6) <https://www.nejm.org/doi/full/10.1056/NEJMp2308547>
- (7) <https://www.sipri.org/media/press-release/2023/states-invest-nuclear-arsenals-geopolitical-relations-deteriorate-new-sipri-yearbook-out-now>
- (8) <https://www.sipri.org/media/press-release/2023/states-invest-nuclear-arsenals-geopolitical-relations-deteriorate-new-sipri-yearbook-out-now>
- (9) <https://morningstaronline.co.uk/article/no-us-nukes-britain>
- (10) <https://treaties.unoda.org/s/UKR>
- (11) <https://web.archive.org/web/20170312052208/http://www.cfr.org/nonproliferation-arms-control-and-disarmament/budapest-memorandums-security-assurances-1994/p32484>
- (12) <https://neweasterneurope.eu/2023/09/14/the-impact-of-the-war-in-ukraine-on-the-future-of-europe-what-if-ukraine-becomes-a-nuclear-state/>
- (13) Brzezinski, Zbigniew. *The Grand chessboard. American Primacy and Its Geostrategic Imperatives*. Basic Books, 1997, P:24-25
- (14) https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR3063.html
- (15) <https://www.sueddeutsche.de/politik/china-propaganda-nato-1.6035329>
- (16) <https://www.nejm.org/doi/full/10.1056/NEJMp2308547>

